

مسنان بر تارک روزگار ان

(مجموعه مقالات)



انتشارات حيله رود

نوشته و پژوهش

فرهنگ شکوهی

۱۳۹۱

سرشناسه	شکوهی، فرهنگ، ۱۳۱۷-
عنوان و نام پدیدآور	سمنان بر تارک روزگاران (مجموعه مقالات) / نوشته و پژوهش: فرهنگ شکوهی. (به سفارش مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان)
مشخصات نشر	سمنان، انتشارات حبله رود، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۲۲۸ ص. مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۴-۳۹-۰، ریا، ۸۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	این اثر با حمایت مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان منتشر می شود
موضوع	سمنان
رده بندی کنگره	۸۳۱/۱۳۹۱ ش ۷ م / ۲۰۹۵ DSR
رده بندی دیویی	۸۱۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۸۷۳۶۷۴
شناسنامه کتاب	



- عنوان: سمنان بر تارک روزگاران
- مؤلف: فرهنگ شکوهی
- ناشر: انتشارات حبله رود
- تایپ و صفحه آرایی: محمدتقی رهبری فرد
- طرح روی جلد: کانون تبلیغاتی پرنیان، حامد مداح
- ویراستار: ابوالفضل محمدخانی
- عکاس: مهندس مازیار اتوکش
- تاریخ و نوبت نشر: نوبت اول، ۱۳۹۱
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۴-۳۹-۰
- چاپ و صحافی: زلال کوثر قم
- بها: ۸۵۰۰ تومان

مراکز فروش: دفتر موسسه سمن بویان سمنان و فروشگاههای معتبر کتاب شهر سمنان

این اثر با حمایت شرکت پاریزان صنعت و مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان منتشر شده است.

فهرست مطالب

۰	قومس
۱	پیش گفتار
۵	مقدمه
۷	شهر سمنان و ویژگی‌های بافت قدیم آن
۷	تاریخچه شهر سمنان
۹	پیدایش و گسترش بافت قدیم شهر سمنان
۱۱	بافت قدیم شهر سمنان
۱۷	بعضی ویژگی‌های زبان سمنانی
۱۷	الف) تشبیه در زبان سمنانی
۲۶	ب) واژگان مشابه در زبان سمنانی و فارسی
۲۸	ج) توضیح بعضی نکته‌های واژگان سمنانی
۲۹	د) معانی متفاوت واژه‌ها در زبان سمنانی
۳۰	ه) نکته‌های دستوری
۳۲	و) برابری برخی از واژه‌های زبان سمنانی با فارسی دری
۳۳	ز) مفرد و جمع در برخی از کلمات سمنانی
۳۴	ح) چگونگی کاربرد مفرد و جمع در بعضی از اسم‌ها و کلمات سمنانی
۳۵	ط) برخی کلمات مترادف و متضاد در زبان سمنانی
۳۶	ی) مذکر و مؤنث در زبان سمنانی
۳۸	ک) کلمات اوستایی پهلوی در زبان فارسی
۳۹	ل) تعاریف و تعبیرات شیرین محاوره‌ای در زبان سمنانی
۴۲	م) ترکیب کلمات و اسامی در زبان سمنانی
۴۶	ن) اصوات و آواها در زبان سمنانی
	س) برآورد واژه‌های موجود در قلمرو زبان سمنانی از نظر شکل و ترکیب، معنی و مفهوم و تفاوت‌های کلی دیگر
۵۲	
۵۴	غ) چند نوع پساوند
۵۶	ر) واژه‌های یکسان در سمنانی و مازندرانی

۵۹	قلاع تاریخی سمنان
۶۰	قلاع قبل از اسلام
۶۰	۱- قلعه‌ی کوشمنان
۶۰	۲- قلعه آتشگاه
۶۰	۳- کنگ دژ (کهن دژ)
۶۰	۴- قلاع ساره
۶۱	۵- نازنج قلعه
۶۱	۶- دژ چرمه
۶۲	۷- قلعه زاوگان
۶۲	۸- قلعه جنبیان
۶۲	۹- قلعه لاجوردی
۶۲	۱۰- قلعه‌ی پاچنار (سراجه)
۶۲	قلاع بعد از اسلام
۶۲	۱- قلعه میرزا عسکری
۶۴	۲- قلعه برکه
۶۴	۳- قلعه نوکلانه
۶۴	۴- قلعه تقی آباد
۶۴	۵- سایر قلاع
۶۴	برج چهل دختران
۶۵	مساجد سمنان
۶۵	مسجد جامع سمنان
۷۰	منار مسجد جامع سمنان
۷۱	مسجد جامع سرخه
۷۱	مسجد جامع علاء
۷۱	مسجد جامع زاوگان
۷۲	مسجد امام خمینی (ره) سمنان
۷۶	مقبره طوطی
۷۶	ظهور مذهب اسلام و شیعه در سمنان
۷۹	بقاع متبرکه سمنان
۷۹	امامزاده یحیی (ع)
۸۰	امامزاده علی بن جعفر (ع)

۸۱	مقبره ابراهیم و اسماعیل
۸۱	مقبره پیر علمدار
۸۲	مقبره شیخ نجم الدین
۸۳	مقبره سی سر
۸۴	سایر مقبره‌ها
۸۴	مقبره پیغمبران
۸۴	درویش محمود
۸۵	چهل تن
۸۵	امامزاده قاسم
۸۵	امامزاده مُدرک
۸۵	بقاع متبرکه زاوغان
۸۶	امامزاده اشرف
۸۹	کاروانسراهای سمنان
۸۹	۱- کاروانسرای شازده
۸۹	۲- کاروانسرای غلامرضا صالحی (ناسار)
۸۹	۳- کاروانسرای فامیلی
۸۹	۴- کاروانسرای حسن نقاش
۸۹	۵- کاروانسرای بازار شیخ علاءالدوله
۹۰	۶- کاروانسرای خارج دروازه ناسار (سلطان حسین بایقرا)
۹۰	۷- کاروانسرای شاه عباسی
۹۳	آسیاب‌های سمنان
۹۳	آسیاب‌های آبی در روستاهای سمنان
۹۳	تأسیس یا ساخت آسیاب‌های آبی
۹۴	قوانین آسیاب
۹۴	ساختمان آسیاب آبی
۹۵	۱- ساختمان آسیاب
۹۵	۲- سنگهای آسیاب
۹۶	۳- دون دان
۹۶	۴- ناودان
۹۶	۵- توربین
۹۷	۶- تنوره
۹۷	۷- پوزه یا دریچه فشار

- ۸- اهرم یا پایه..... ۹۷
- ۹- دریچه هرزآب..... ۹۷
- آسیاب در سمنان..... ۹۸
- ۱- آسیاب دلاران (بلاران)..... ۱۰۱
- ۲- آسیاب باغ امیر..... ۱۰۱
- آسیاب‌های میاه لتیبار..... ۱۰۲
- ۱- آسیاب تمار..... ۱۰۲
- ۲- آسیاب سیدحسن..... ۱۰۲
- ۳- آسیاب قاضی..... ۱۰۲
- ۴- آسیای چهل قبله..... ۱۰۲
- ۵- آسیاب آخوند یا شیخ..... ۱۰۳
- ۶- آسیاب نو (نوئه آره)..... ۱۰۴
- آسیاب‌های میاه ناسار..... ۱۰۴
- ۱- آسیاب شازده (شاهزاده)..... ۱۰۴
- ۲- آسیاب حاج طاهر..... ۱۰۵
- ۳- آسیاب طاووس..... ۱۰۵
- ۴- آسیاب یاور..... ۱۰۵
- ۵- آسیاب بابا قربان..... ۱۰۵
- ۶- آسیاب حاج کریم..... ۱۰۵
- آسیاب‌های محلات..... ۱۰۵
- ۱- آسیاب آق محمود..... ۱۰۵
- ۲- آسیاب کرات..... ۱۰۶
- ۳- آسیاب حاج اسماعیل..... ۱۰۶
- ۴- آسیاب اول زاوغان..... ۱۰۶
- آب پخش کن..... ۱۰۶
- یخچال‌های سمنان..... ۱۰۷**
- ۱- یخچال امیر..... ۱۰۷
- ۲- یخچال محله چوب مسجد..... ۱۰۸
- ۳- یخچال آتشگاه..... ۱۰۸
- ۴- یخچال غربی شاهجو..... ۱۰۸
- ۵- یخچال شرقی شاهجو..... ۱۰۸
- ۶- یخچال زاوغان..... ۱۰۹

آب انبارهای سمنان ۱۱۱

مقدمه ۱۱۱

۱- آب انبار ناسار ۱۱۲

۲- آب انبار قلی ۱۱۳

۳- آب انبار کهنه دژ ۱۱۳

۴- آب انبار پاچنار ۱۱۳

۵- آب انبار چهارهوق (جارسی) ۱۱۴

۶- آب انبار چوب مسجد ۱۱۵

۷- آب انبار حاج کریم حمزئیان ۱۱۵

۸- آب انبار پهنه ۱۱۵

۹- آب انبار اسفنجان ۱۱۶

۱۰- آب انبار توکلی ۱۱۶

۱۱- آب انبار کاشفی ۱۱۷

۱۲- آب انبار امامزاده علی بن جعفر ۱۱۷

۱۳- آب انبار کارخانه ریسمان ریزی (تکین) ۱۱۸

۱۴- آب انبار حاج یوسف سنادره ۱۱۸

۱۵- آب انبار صادقیه ۱۱۹

۱۶- آب انبار کاله خونکه (آب انبار کالاخانه) ۱۱۹

۱۷- آب انبار امامزاده علوی ۱۱۹

۱۸- آب انبار ملاقروینی ۱۲۰

۱۹- آب انبار قاضی ۱۲۰

۲۰- پایاب آقا ۱۲۰

۲۱- آب انبار بالا ۱۲۰

۲۲- آب انبار کوشمغان ۱۲۰

۲۳- آب انبار فامیلی زاوغان (امامزاده سید زین الدین) ۱۲۱

حمام‌های سمنان ۱۲۳

۱- حمام پهنه ۱۲۳

۲- حمام قلی ۱۲۴

۳- حمام ناسار ۱۲۴

۴- حمام نخست ۱۲۷

۵- حمام کریم ۱۲۷

۶- حمام حاجی شیخ ۱۲۷

۱۲۸.....	۷- حمام حسینه.....
۱۲۸.....	۸- حمام سراچه.....
۱۲۸.....	۹- حمام چوب مسجد (حمام خوشنیان).....
۱۲۸.....	۱۰- حمام سه راه لتیبار.....
۱۲۸.....	۱۱- حمام‌های شاهجو.....
۱۲۸.....	۱۲- حمام کارخانه.....
۱۲۹.....	۱۳- حمام باجی.....
۱۲۹.....	۱۴- حمام نوروز.....
۱۲۹.....	۱۵- حمام محلات.....
۱۲۹.....	۱۶- حمام نجفی (حمام حیم).....
۱۳۱.....	دروازه‌های سمنان
۱۳۱.....	۱- دروازه ارگ.....
۱۳۲.....	۲- دومین دروازه: ارگ جنوبی.....
۱۳۲.....	دروازه سوم: دروازه ناسار.....
۱۳۲.....	دروازه چهارم: دروازه عراق.....
۱۳۳.....	دروازه پنجم: دروازه خراسان.....
۱۳۴.....	دروازه ششم: دروازه رکن آباد.....
۱۳۴.....	دروازه هفتم: دروازه علا.....
۱۳۵.....	تقسیم بندی آب سمنان
۱۳۷.....	درختان کهنسال سمنان
۱۳۷.....	۱- چنار پاچنار.....
۱۳۸.....	۲- چنار چارسی (چهار سوق).....
۱۳۸.....	۳- چنار دروازه خراسان.....
۱۳۸.....	۴- چنار باغشاه.....
۱۳۹.....	باغ‌های بزرگ سمنان
۱۳۹.....	۱- باغ فرهاد خان.....
۱۴۱.....	۲- باغ شاه.....
۱۴۱.....	۳- باغ افراسیاب خانی.....
۱۴۲.....	۴- باغ اعتضادیه.....
۱۴۳.....	۵- باغ ارگ.....
۱۴۵.....	کارخانه ریسمان ریسی سمنان

۱۴۶	کارخانه پنبه پاک کنی.....
۱۴۷	آداب و رسوم نوروز در سمنان.....
۱۴۸	۱- نان معمولی.....
۱۴۹	۲- فطیر (فطیره).....
۱۴۹	۳- کله وا.....
۱۵۰	۴- آره فطیره.....
۱۵۱	عمه گرگه.....
۱۵۲	حاجی فیروز (عمو فیروز).....
۱۵۲	روز عرفه یا علفه.....
۱۵۳	مراسم تحویل سال و سفره‌ی هفت سین.....
۱۵۴	عید دیدنی (دید و بازدید نوروزی).....
۱۵۷	جوب رفتن زن‌ها.....
۱۶۱	شرح مراسم عزاداری.....
۱۶۹	سوغات سمنان.....
۱۶۹	بخسمات.....
۱۷۱	تاریخچه‌ی مراکز علمی در سمنان.....
۱۷۷	مکتب خانه و مکتب دار.....
۱۸۳	کتابخانه عمومی سمنان.....
۱۸۷	مشاهیر سابق سمنان.....
۱۸۷	مرحوم پانگراتف.....
۱۸۹	دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی.....
۱۹۰	استاد علی صحت.....
۱۹۳	محمد مشیری.....
۱۹۳	شادروان محمد باقر نیری.....
۱۹۷	تصاویر.....
۲۱۷	منابع و مأخذ.....

قوس

قوس ای مهد تمدن، با سلام
جایگاه و مسند برجستگان
از منوچهری، فروغی، بایزید
هم علاءالدوله و ابن یمن
همچنان سرشار از برج و بنا
قلعه‌ها، دروازه‌ها، هم غارها
هم ز صد دروازه تا باشد جهان
یا ز بسطام و همه گنجینه‌ها
مسند و مهد رجالی با کمال
شیخ خرقان تا ابد فخر زمان
تو بگو قوس به ما از قدمت
تا شود روشن ز تو، تاریخ ما
تا به وجد آیند ابناء زمان
قوس است آئینه فخر زمان

ای تو در آوازه و شهرت بنام
شاعران، نام‌آوران، شایستگان
شیخ خرقان، علم و عرفان را امید
عارفانی با کمال، اهل یقین
و از منار و مسجد اندر هر کجا
از حصار و تپه و بازارها
می‌رسد آوازه‌اش از دامغان
شعر یغما، نقش اندر سینه‌ها
سر بلند و با فضیلت بی زوال
آن که جان‌ها را نه بفروشد به نان^۱
و آن زمان شهرت و آن شوکت
و از نژاد و از تبار و بیخ ما
نام قوس چون شنیدند هر زمان
تا ابد از فضل و لطف ذوالمنن

۱ - مصراع دوم بیت دهم «آن که جان‌ها را بفروشد نه به نان» اشاره به عبارتی بسیار مشهور و مردمی شیخ ابوالحسن خرقانی است که بر سر در خود به صورت زیر نوشته شده است که: «هر که در این سرای درآید، نانش دهید و از ایمانش نبرسید، چه آن کس که به درگاه خداوند به جان ارزد، البته در دستگاه ابوالحسن به نان ارزد.»

پیش گفتار

استاد فرهنگ شکوهی متولد سال ۱۳۱۷ هجری شمسی سمنان است، وی تحصیلات خود را در سمنان و تهران ادامه داده، در سال ۱۳۴۳ ضمن اشتغال به کار معلمی در رشته زبان و ادبیات عرب موفق به دریافت لیسانس از دانشگاه تهران شده است. ایشان سال‌ها در دبیرستان‌های معروف و مهم تهران چون دبیرستان البرز، دبیرستان ملی نصیر و دبیرستان خزائلی کوچه ظهیرالاسلام بهارستان و چند مدرسه عالی نظیر مدرسه عالی بهداشت و دانشسراها به تدریس پرداخته، در فرهنگ و ادب و لغت و اشتقاق واژه‌ها اطلاعات و تسلط کافی دارند.

همچنین آقای فرهنگ شکوهی علاوه بر ذوق ادبی و علاقه به پژوهش و تحقیق - که از دوران دبیرستان تا به حال آن را به منصفه ظهور و به این کار اشتغال و دارای اطلاعات وسیع و صاحب‌نظر در فرهنگ عامیانه و فولکلور می‌باشند - در خوشنویسی و نقاشی و طراحی نیز دارای آثار زیادی است و شاید در شهر ما جزء نخستین کسانی است که به کشیدن شمائل ائمه و معصومین پرداخته، آثار سی - چهل ساله ایشان هنوز در بسیاری از مساجد و تکایا موجود است و از کارهای هنری با ارزش است. اما عمده کار و هنر آقای شکوهی سرودن شعر، خاصه به زبان سمنانی است که کارشان بسیار پر محتوا و مبتکرانه و ماندنی است، چرا که ایشان همواره در اعماق زندگی مردم بوده و خصوصیات و عادات و آداب آن‌ها را به صورت شعر در آورده است. غنای تجارب ایشان در این کار و فراهم آوردن واژه‌ها و اصطلاحات ظریف و جذاب و نیز محاضره و مناظرات ایشان با عوام و استفاده از شوخی‌ها، تمثیل‌ها و لطائف گوناگون که اشعارشان سرشار از این مزیت‌هاست، اشعارشان را در بین مردم موقعیتی خاص بخشیده است.

آقای شکوهی با نوار فالگوش خود به زبان سمنانی که حاوی توصیف شهر، محل‌های گوناگون، عادات و آداب مردم، بازی‌ها، باورها و بسیاری از اطلاعاتی که در آن کار به مردم ما داد

ثابت کرد که در کار بیان فرهنگ مردم و بسیاری از جنبه‌های اجتماعی مربوط به زندگی و تاریخ گذشته این شهر به خصوص شرح اماکن و ویژگی‌های هر محل و دیگر خلیات و ارزش‌های فراموش شده این شهر و کاربرد واژه‌ها و تمثیل‌ها، بسیار قوی و توانا و دارای آثاری گرانبها و مردم پسند از نظر فرهنگ عامه و آداب و عادات از یاد رفته و قدرت ثبت بازگویی آن‌ها را به شایستگی دارند. همانطوری که می‌دانید ما تمثیل‌های زیادی که در زبان سمنانی داریم که آن‌ها را آقای دکتر منوچهر ستوده به کمک آقای فرهنگ شکوهی در همان سال‌های ۴۳-۱۳۴۲ شمسی زمان دانشجویی آقای شکوهی که آقای دکتر ستوده استاد راهنمای ایشان بوده، جمع آوری نموده، گرچه کار کامل نیست و دارای نواقص زیادی است و در آن کم لطفی‌هایی هم نسبت به خیلی از افراد باذوق و مطلع شهر و از جمله خود آقای شکوهی که با زحمات شبانه روزی در بازخوانی ضرب المثل‌ها و کاربرد و معین کردن و ترجمه آن‌ها شده است، اما آقای شکوهی با ابتکار خاص خود بسیاری از ضرب المثل‌ها را برای این که با عمر جاودانه خود بمانند، در اشعار و دوبیتی‌های زیبایی جای داده‌اند که به همت مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان کلیه اشعار در مجموعه پنج جلدی با نام «بات و نواتی» منتشر گردیده است. در اینجا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ضرب المثل داریم به صورت: «تازه ژو کله بره تر بیچی» یعنی تازه از قضیه یا ماجرا باخبر شده است. این ضرب المثل بدین گونه در این رباعی به زبان سمنانی آمده است:

ورگردچی دُنیَا مو رَه ای وَی بیچی تَه دستی ای لقمه نون مو رَه زر بیچی
وَرین مو دیمی سری هی خوسند لوَنه تَه کله بره تازه کی ره تر بیچی؟^۱

ما در زبان سمنانی واژه‌هایی داریم که با جزیی تغییر اعراب در تلفظ با شکل یکسان معنی متفاوتی پیدا می‌کنند، مثلاً همین کلمه «وَرَه» که با این تلفظ به معنی برف زمستانی، و با تلفظ جزئی متفاوت با تلفظ بالا یعنی «وَرَه» به معنی گوسفند و با همین تلفظ در جای دیگر به معنی

۱ - ترجمه: دنیا از من روی برگردانده، به سوی دیگر نظر دارد، از دست تو یک لقمه نان برایم زهر و کشنده شده است.

برف بر روی سرم کلیه خرابه‌ام را فرو ریخت، و تو تازه از این ماجرا و بدبختی من باخبر شده‌ای؟

کج و ناهموار است. مثلاً گوییم: «ژو بار وَرَه» یعنی بارش متمایل به یک سمت و کج است! اینک نمونه دیگری از ضرب المثل که در دو بیت شعرهای شکوهی جای گرفته است: «هَمَن سِغَه کِلَه اِنْدِت، مَنِ دُزد باخبره» یعنی هنوز دست به کاری نزده‌ای می‌بینی که دیگران در جریان آن هستند و به نوعی از ماجرا با خبر شده‌اند. چون دیوار موش داره. این تمثیل هم این گونه در این دو بیت آمده است:

اِن وَجَه وِیلون بالا آدم دَر به دره
ای قدم کو وِرَن تَرَه پاکی ضرَرَه
هر کاری گیا بیت ها که بیش پی مَزونَن
سِغَه کِلَه اِنْدِت مَنِ دُزد باخبره^۱

از کارهای با ارزش دیگر آقای فرهنگ شکوهی جمع آوری و ثبت و ضبط واژه‌ها، اصطلاحات و بسیاری از مسائل و صحنه‌های زندگی مردم سمنان در گذشته و نحوه برخورد با آن‌هاست که اکثر آن‌ها را به صورت منظوم - که منظور و قضایای مربوط به آن رسم را برساند - بیان کرده است.

سمنان با توجه به وضع کویری خود و کمی آب، همواره برای تقسیم آب و بردن آن به باغات و مزارع همراه با اختلافات و سر و صدا و بعضاً نزاع و درگیری بوده است که شاعر تصویری از یک صحنه سر و صدا و کشمکش در باره آبیاری تابستانی و دست به یقه شدن کشاورزان را به صورتی زنده که گویی صدای داد و فریاد کشاورزان به گوش می‌رسد، به نظم کشیده است:

به این شعر و ترجمه آن در باره آب توجه کنید: عنوان شعر «بیا کو آشته، نشته»^۲

۱ - ترجمه: به خاطر این بر و بچه‌ها (فرزندان) آدم دربر است، یک قدم که گاهی برای آدم بردارند تماش خور است. هر کاری را که بخواهی انجام دهی گویی از پیش می‌دانند، و هنوز به کار نپرداخته‌ای می‌بینی که نیکاران از ماجرای کار تو مطلع و خبر برنامه‌هایت را دقیقاً دارند.

۲ - ترجمه: عنوان شعر: مواظب باش که خلق و خوی و وضع روحی او ممکن است ناگهان عصبانی شده و همه چیز را در هم بریزد.

۱- آنجا مثل این که دعواست، چرا که صدای غلام چاپچی بلند است

۲- برای چه نمره و فریاد می‌کشد، او که دارد تاک‌ها را سیراب می‌کند

۳- چرا کلنگ سرتیزی را به دست گرفته است، مواظب باش که از کوره در نرود و ماجرا نیافریند

۴- می‌بینی یک مرتبه و ناگهان کلنگ را به سرت کوبید، و دیگر چیزی نگفت، و بدین صورت اعتراضش را نمایان ساخت

۵- آب است و از آن بوی خون به مشام می‌رسد، که داری آن را به زمین‌ها می‌بری و به آبیاری می‌پردازی

- ۱- اونجو مَن دَعَوایَه؟ غُلوم چاپچی صِدایَه؟
- ۲- چی چی رَ لیری مَنجَه؟ او داره کیزی مَنجَه
- ۳- ژو دَسَت دَرَه ترشَتَه بِپَا کو اِشَتَه نِشَتَه
- ۴- مَنی تَه سر دوساَتِش هِجَی دیگَر نِواَتِش
- ۵- او وه و مِی خینی مِدَار تَی زِ مینی
- ۶- پَس مِی هَنَر نِدا اِسَه کو خُدَه تَه دا

لازم به ذکر است در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به همت و حمایت مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان کلیه آثار و اشعار استاد شکوهی تدوین و منتشر گردیده است که به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- نصاب واژگان سمنانی به همراه لوح فشرده
 - ۲- بازی ها و سرگرمی های مردم سمنان
 - ۳- حَرَف و مشاغل قدیم مردم سمنان و کشور
 - ۴- بات و نواتی (مجموعه پنج جلدی اشعار به گویش سمنانی) به همراه لوح فشرده
 - ۵- هزار و یک منزل (حاوی صدها نکته، طنز، حکایت و...)
 - ۶- مجموعه اشعار فارسی (یاد ایام)
 - ۷- مجموعه اشعار مذهبی به گویش سمنانی (ویژه مداحان و ذاکران اهل بیت سلام الله علیها)
- مؤسسه فرهنگی هنری سمن بویان سمنان**

۶- پس ببین آن را حرام نکنی و هرز ندهی، حالا که خدا این مایه حیاتی قیمتی را به تو عطا کرده است.
 ترجمه لغات: ۱- چاپچی: کسی که از خود حرف بزند و عُلُو در خودستایی هر چیزی کند.
 ۲- لیری: یعنی فریاد و نعره‌های خیلی بلند و وحشت آور که حکایت از ناراحتی و پیش آمد و گرفتاری کسی کند
 ۳- کیزی: یعنی تاک‌ها و گودال و جای درخت انگور
 ۴- ترشَتَه: کلنگ سرتیزی که دارای یک سر است و برای خرد کردن کلوخ‌های باغ به کار می‌رود.

مقدمه

سمنان شهری کهن است که در حاشیه کویر آرام گرفته است. هر چند که این شهر یکی از شهرهای تاریخی و بزرگ کشور بوده است، اما از تاریخ اولیه بنای شهر، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما آن چه مسلم است این است که در تمامی کتب تاریخی از سمنان به عنوان یکی از شهرهای مهم شاهراه ارتباطی شرق و غرب بوده است.

بنای اولیه شهر را به تهمورث (تهمورث) از پادشاهان پیشدادی نسبت داده‌اند. تاریخ روضه‌الصفا راجع به تهمورث می‌نویسد: «وی بعد از کیومرث به پادشاهی رسید، هشتصد سال عمر و سی سال سلطنت نمود. بنای چندین شهر از جمله مرو، آمل، سارویه، سمنان، مداین و عراق عرب را به او نسبت می‌دهند». پیرامون آن که به چه علت بنای سمنان به وجود آمده است، چنین نقل می‌کنند که در حدود دو هزار سال قبل از میلاد مسیح تهمورث دیو بند بر اورنگ شاهی جلوس نمود و اوضاع ایران را از هر لحاظ آراسته کرده، برای رسیدگی و بازدید، عازم سرزمین پارت (خراسان) گردید. در حین مسافرت از محل سمنان که در آن زمان بر حسب اوضاع جغرافیایی و لطف طبیعت به صورت جنگل‌های باصفا و دریا و ساحل زیبایی بود، دیدن کرد.

گویا سمنان در آن زمان جلگه وسیع و خوش منظره‌ای بود که تظیر آن را باید در گیلان و مازندران دید. در آن روزگار در هشت فرسنگی جنوب سمنان، دریای ساوه یزد و رودها از هر سو به طرف دریا روان بودند. سواحل این دریا پر از سبزه و درختان زیبای جنگلی بود و از زمزمه‌ی آب و نغمه لبلب و هزار داستان چون باغ جنان به نظر می‌آمد.

هنگامی که تهمورث به این سرزمین رسید، خرم و شادمان گشت. چند روزی توقف کرده و چون آن را از هر حیث مناسب دید، امر کرد در آن نقطه شهر بزرگی بنا نموده و نام آن را «سمینا» بگذارند.

اکثر مؤلفین کتب تاریخی و جغرافیایی، تهمورث را بانی شهر سمنان دانسته‌اند. اگر موقعیت سابق فلات ایران و اوضاع جغرافیایی و طبیعی آن و وجود دریاها و بزرگ و جنگل‌های وسیع و رودخانه‌های پر آب دوران گذشته را مد نظر قرار دهیم، ثابت می‌شود که در محل کویرهای امروزی ایران، دریای محصور بوده است که رفته رفته آب آن تبخیر و خشک شده است. پس به امر تهمورث شهری در این مکان بنا گردید. ابعاد اولیه‌ی شهر چهار فرسخ در چهار فرسخ بود و در آن بازارها و گرمابه‌ها و میدان‌های باصفا و خیابان‌های متعددی وجود داشت.

عده‌ای دیگر نیز عقیده دارند که نام اصلی شهر «سیم لام» می‌باشد و نظر آنان بر این است که بنای اولیه شهر به دست دو نفر از فرزندان حضرت نوح به نام‌های «سیم النبی» و «لام النبی» است که در کوه‌های شمال شرقی سمنان موسوم به کوه پیغمبران مدفونند. این عده معتقدند سیم و لام بر اثر کثرت استعمال به «سمنان» مبدل گشته است. البته در بقعه‌ی پیغمبران کتیبه‌ای که نسب مدفونان این بقعه را بیان کند، وجود ندارد.^۱

عده‌ای دیگر از مردم سمنان، نام اصلی سمنان را «سِمنون» به کسر «سین» می‌دانند و نظر آن‌ها بر این است که در حدود کوه‌های پیغمبران درویش تارک دنیایی به نام «سِمنون» می‌زیسته است و این شهر به نام او بنا گردیده است و لفظ «سِمنون» به «سمنان» مبدل گشته است.

۱ - در بیان نسب شریف پیغمبران سیم و لام (ع)، آن دو بزرگوار دو پیغمبرند از نسل نوح (ع) یکی «سام» و دیگری «لام»، پسران عراق این عالم این سام این نوحند. بنای سمنان از ایشان است و از راه البرز به سمنان آمده اند. قلعه‌ی جندلان، اسفنجان، ناسار، کوشمغان و زاوکان را بنا نهادند و بعضی از مردم سمنان از نسل سام و لام هستند و وجه تسمیه‌ی سمنان آن است که باعث آن منکر پیغمبر شده اند و این کوه را کوه سمینک نامند.